

یادداشت کیوان باژن درباره فیلم - تئاتر مستند اماگلدمن

"بدیهی است در تئاتر از هر حرکت، هر حالت و هر کلمه، انتظار مفهومی علنی و اجتماعی نداریم، بلکه مجموعه‌ی آن‌ها است که مبارزه‌ی علنی را تایید می‌کند. مجموعه‌ی آن‌ها که به دلیل پرورش و تنظیم طبقاتی و تشکلی موثر، هر لحظه بارگسترش خصلت‌های ناپیدای پرسوناژ تئاتر، موثرترین تاثیرات را، گاه بدون آن‌ها که تماشاگر بدان آگاهی یابد و گاه با آگاهی تماشاگر، در شخصیت او بر جای می‌نهد و این مهم، تنها از تئاتری بر می‌آید که کارمندان هنری آن، ضرورتی اجتماعی را جهت آگاهی و رهایی مردمان حس کرده باشند..." (نوعی از هنر، نوعی از اندیشه/ سعید سلطانیپور)

از دو تئاتری که از گروه انگزیت دیدم، یعنی (مترسک) و این آخری فیلم تئاتر (من اماگلدمن هستم) به خوبی حس کردم که وقتی دریافت و آگاهی، با فرم عجیب شود، می‌تواند به قول سلطانیپور موثرترین تاثیرات را در شخصیت تماشاگر بر جای نهد. فیلم تئاتر اماگلدمن از آن دسته کارهایی است که البته باید و می‌توان به طور جدی تر و مفصل تر درباره‌اش نوشت. این کار علی‌رغم این‌که به گفته‌ی کارگردانش، به سبب سانسور، در نهایت به شکل فیلم تئاتر ارایه شد، و علی‌رغم طولانی بودن‌اش، کاری است که ارزش زیبایی‌شناسی خاص خودش را دارد. این زیبایی‌شناسی در نهایت سبب شده است که تماشاگر در پایان، برداشت خودش را با توجه به تاثیری که کار بر او گذاشته است، داشته باشد. نوع کار، به نحوی است که وظیفه‌ی بازیگر را در ارائه‌ی نقش‌اش دشوار می‌کند. چرا که حس، تنها با میمیک صورت می‌بایست القا شود. به نظر من دو سه شخصیت، خوب در نیامدند اما در کل، بازیگران موفق بوده‌اند. در رابطه با گریم‌ها و تدوین‌ها و... هم میتوان بحث کرد و در کل، کاری است که همان‌طور که گفتم ارزش صحبت کردن دارد. اما آن‌چه در درجه‌ی بالاتری قرار دارد، این است که تئاتر مستقل علی‌رغم مشکلاتش، راه خود را پیدا می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد. به امید دیدن کارهای دیگر گروه انگزیت.

کیوان باژن

دی ماه نود و هفت

